



مرکز مطالعات و برنامه ریزی بیان
Al-Bayan Center for Planning and Studies

تغییرات اجتماعی در دوران حزب عدالت و توسعه ی ترکیه

احمد حسن علی

مجموعه نشریات مرکز مطالعات و برنامه ریزی بیان

درباره مرکز

مرکز مطالعات و برنامه ریزی بیان مرکزی مستقل و غیر انتفاعی است که مقر اصلی آن در شهر بغداد است. هدف اساسی این مرکز ارائه دیدگاه‌هایی صادقانه و واقع بینانه پیرامون مسائل ورخدادهای سیاسی خارجی مرتبط به خاورمیانه و به ویژه مسائل مرتبط به عراق می باشد. این مرکز مطالعاتی سعی دارد در عرصه های سیاسی و آکادمیک تحلیلاتی مستقل راهکارهای عملی و روشن ارائه نماید.

اهمیت اقلیمی و بین المللی عراق ورخدادهای پیاپی آن در مقارنه با اکثر تحلیلات سیاسی و دیدگاه‌هایی که سعی در دنبال کردن مسائل سیاسی این منطقه دارد نیازمند جوانب فکری روشن بوده و فاقد توانایی اندیشیدن خارج چهارچوب معمول که تصویر ذهنی منطقه ای وجهانی عراق را طی دهه های اخیر متبلور ساخته می باشد. بدین جهت این مرکز مطالعاتی تلاش می کند دیدگاه های نوینی که بی طرفی علمی و شفافیت و خلاقیت را رعایت می کند ارائه دهد. مطالعات مرکز بیان شامل بررسی و تحلیل بحرانهای عراق و خاورمیانه می باشد و در نظر دارد راهکارها و دیدگاه‌های مناسب و کارآمدی را در کوتاه مدت و بلند مدت در اختیار تصمیم گیرندگان سیاسی قرار دهد.

تمام حقوق نشر محفوظ است © 2018

www.bayancenter.org

info@bayancenter.org

تغییرات اجتماعی در دوران حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه

نوشته‌ی: احمد حسن علی *

پیش از صحبت پیرامون تغییرات اجتماعی که در دوران حزب عدالت و توسعه در ترکیه رخ داد؛ باید به تاریخ معاصر این کشور نگاهی کرد، تا بتوان متوجه تغییراتی شد که پس از تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی صورت گرفت. ترکیه به روشی اجباری، از شکل یک کشور دارای ماهیت اجتماعی اسلامی بر اساس خلافت عثمانی، به کشوری سکولار و جمهوری‌خواه انتقال یافت، که در این میان؛ جمهوری وارد یک اختلاف شدید با گروه بزرگی از جامعه‌ی ترکیه شد و کوشید آنها را مجبور به ترک سنت‌های اسلامی یا عادت‌های محافظه‌کارانه نماید، اما موفق نشد.

انقلاب اجتماعی آتاتورک

انقلاب مصطفی کمال آتاتورک؛ برای مدرن‌سازی ترکیه، پیامدهای زیادی را برای مردم ترکیه از لحاظ اجتماعی، مذهبی و سیاسی به بار آورد. تا جایی که؛ در جنبه‌های اجتماعی و مذهبی، می‌توان نفی سنت‌های اسلامی و فرهنگ آنها را یکی از عوامل اصلی تغییرات اجتماعی و مذهبی در ترکیه‌ی مدرن به حساب آورد.

اصلاحاتی که توسط آتاتورک انجام گرفت؛ نظم نوینی را، برای زندگی بر اساس سبک غربی ایجاد کرد. ترکیه از آن پس به یک کشور کاملاً سکولار تبدیل شد. در واقع؛ سیاست کمال آتاتورک برای پایان دادن به نقش سیاسی اسلام، یا کنار گذاشتن اسلام از زندگی سیاسی، به نظر می‌رسد تلاشی برای کنار گذاشتن اسلام در بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی نیز بوده است.

موسسات مذهبی تا پایان قرن گذشته، عملکردی جانبی داشته‌اند و یا مسئولیت مدیریت دینی کوچکی بر عهده‌ی آنها بوده است و نه آن‌گونه که در دوران عثمانی رواج داشت. در همین راستا؛ روشن شد که جامعه‌ی شهری در دهه‌های اولیه‌ی جمهوری، در مقایسه با کسانی که

* پژوهشگر مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی بیان.

در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، خیلی بیشتر تحت تاثیر این اصلاحات قرار گرفتند. به عنوان مثال در استان‌بول و آنکارا، بسیاری از مردم اهمیت دادن به گرفتن روزه، در ماه رمضان را کنار گذاشتند و از آموزش نماز به فرزندان خود امتناع کردند. با از میان رفتن تدریجی دین (در ظاهر) از زندگی مردم، تشکیلات دینی ناپدید شد؛ سلطه‌ای که می‌توانست مردم را از انجام هر کاری که در مفهوم دینی- که به پدیده‌ای «ارتجاعی» تبدیل شد- خوب یا بد بود، منع کند.

با این حال؛ نگرش‌ها و مواضع متفاوتی در مناطق روستایی وجود داشت. آن‌هم در زمانی که بسیاری از افراد دین‌دار و محافظه‌کار از پذیرش اصلاحات کمال آتاتورک امتناع ورزیدند. اما ایشان به آرامی با آن مخالفت کردند و از رویارویی با نهادهای دولتی سکولار اجتناب کردند و به شکل مخفیانه به عمل به سنت‌های اسلامی و تأسیس نهادهای مذهبی مختص خود ادامه دادند.

با ملغی اعلام کردن تمام مراکز طریقت‌های تصوف در اواخر سال ۱۹۲۵، تدریس اصول تصوف در گوشه و کنار ترکیه به پایان رسید. تصوف در طول قرن‌های متمادی تاثیر گسترده‌ای بر زندگی اجتماعی در آناتولی داشته است.^(۱)

در واقع؛ تعالیم تصوف به سمت تمرکز بیشتر به فلسفه‌ی روحانی، طهارت روح، تربیت انسان نیکوکار و اصلاح طلب، گرایش پیدا کرد و به نحو گسترده‌ای در کار آگاهی بخشی و تبلیغات اسلامی در ترکیه مشارکت کرد. دروس در خانه‌های صوفیان ارائه می‌شد، اما رژیم آتاتورک به مبارزه با آنها ادامه داد.^(۲)

صوفیان از نتایج اعمال قانون مدنی ۱۹۲۶، که از قوانین سوییس گرفته شده بود، به نفع خود استفاده کردند. این قانون مشکلی اجتماعی را در ترکیه‌ی مدرن ایجاد کرد که ناشی از افزایش تعداد نوزادان نامشروع در میان نوجوانان و جوانان بود؛ به‌طوری که بسیاری از نسل‌های جدید به مذهب بی‌احترامی کرده و پس از آن که قانون مصرف مشروبات الکلی را مجاز دانست، به صورت علنی به شرب خمر اقدام می‌کردند.

طبقه‌ی مذهبی و محافظه‌کار؛ اصلاحات کمال آتاتورک در رابطه با زنان را، در اجازه دادن به آنها برای برابر شمردن خود با مردان در خصوص تصمیم‌گیری درباره‌ی طلاق، مسئله‌ی ارث بردن، کار کردن و ازدواج با مرد غیر مسلمان و جلوگیری از چند همسری را اقدام علیه سنت‌های موروثی اسلامی قلمداد کرد.

این طبقه ی محافظه کار و مذهبی در حومه ی شهرها و مناطق روستایی، که تا دهه ی ۱۹۵۰ میلادی حدود دوسوم جمعیت را تشکیل می داد، به شکل مخفیانه؛ برای تربیت نسلی مخالف سکولاریسم، فعالیت مبارزاتی داشت. با آغاز دهه ی ۱۹۵۰، میلادی- دوازده سال پس از مرگ آتاتورک- جمعیت روستایی به شهرها مهاجرت کردند. روستاییان در جستجوی فرصت های زندگی بهتر در نوع اشتغال و سطح زندگی به شهرهای ترکیه مهاجرت کردند؛ که در آن زمان به پایگاه های صنعتی و تجاری تبدیل شده بودند. و از آن جا بود که اپوزیسیون اسلامی بعدا آغاز شد.

آتاتورک معتقد بود که عقب ماندگی ملت ترکیه، نه تنها به خاطر خلافت عثمانی بلکه به دلیل اسلام نیز بوده است. او بر این باور بود که اسلام به یک ابزار سیاسی برای دیکتاتوری مذهبی و مشروعیت بخشیدن به سلاطین فاسد تبدیل شده است که برای باقی ماندن در مسند حکومت، به حاکمیت ملت ترکیه، بی اعتنا شده اند و دراویش و مشایخ، صاحب قدرت بزرگی شدند که مانع از پیشرفت کشور می شود و از این رو بر پای بندی به اصول و مبانی سنت های اسلامی پافشاری می کنند. کمال آتاتورک به این مسئله اعتقاد داشت که با از بین بردن قدرت اجتماعی و سیاسی مقامات مذهبی اسلامی، ترکیه به طور کامل و جامع به یک جامعه ی مدرن تبدیل می شود.^(۳)

اگرچه دولتی که توسط رژیم سکولار کمالیست ایجاد شده بود؛ به عنوان شکلی از اشکال دموکراسی ظاهر شد، اما در واقع در آن زمان و برای مدت بیست سال متوالی، تنها یک حزب حاکم وجود داشت که تحت کنترل کمال آتاتورک و رفقاییش بود.

برخی از مورخان، این ایده را مورد بحث قرار می دهند که می گوید؛ جمهوری سکولار با هیچ گونه چالش های عمده ای برخورد نکرده است. دلیل این امر؛ اصرار آتاتورک بر دیکتاتوری تک حزبی و نبود هیچ گونه مخالفت واقعی در مجلس نمایندگان، با سیاست ها و اقدامات وی بوده است که شکل ترکیه را تغییر داد. به همین خاطر بسیاری از روحانیون مسلمان با آن مخالفت کردند زیرا کاملاً با اسلام در تضاد بود و باعث شد مردم به رهبری شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، قیام کنند.^(۴)

اما این نظریه با برخی از حقایق تاریخی در تضاد است. قیام شیخ سعید؛ قیامی با اهداف ملی گرایانه از سوی کردها بود، حتی اگر در ظاهر مذهبی به نظر برسد. این قیام به پیروزی

نرسید؛ زیرا ترک‌ها در آن شرکت نکردند و در اینجا شاهد عدم بر پا شدن قیامی مذهبی در روستاها و یا شهرهای ترکیه در اعتراض به الغای خلافت عثمانی هستیم که شش قرن متمادی به طول انجامید.

به سادگی می‌توان گفت؛ که ترک‌ها از جنگ‌ها، محاصره، گرسنگی و گرانی، برای مدت بیست سال تمام به ستوه آمده بودند؛ از جنگ با روسیه‌ی تزاری گرفته، تا جنگ داخلی با ارامنه، جنگ بالکان، جنگ جهانی اول و در نهایت هم جنگ استقلال بین سال‌های (۱۹۲۲-۱۹۱۸).

چیزی که بیشتر باعث خشم و عصبانیت ترک‌ها در شهرها و روستاها شد؛ متحد شدن سلطان محمد وحیدالدین با نیروهای متفقین بود که پس از جنگ جهانی اول، استانبول و اکثر نواحی آناتولی را اشغال کردند. در حالی که نیروهای یونانی در پاسخ به اشغال یونان توسط عثمانی در دوران مختلف، روستاهای ترکیه را در غرب آناتولی آتش می‌زدند، سلطان محمد با حمایت انگلیس و فرانسه، لشکری را برای مبارزه با ارتش ترکیه به رهبری کمال آتاتورک فرستاد.

ناظران دریافته‌اند؛ کشاورزان و دهقانان ترکیه که در آن زمان، اکثریت قریب به اتفاق جامعه‌ی ترکیه را تشکیل می‌دادند، همیشه در مورد درصد مالیات بالایی (مالیات یک‌دهم) که بر آنها تحمیل شده بود، شکایت می‌کردند، در حالی که آتاتورک این مالیات را لغو کرد و با مالیات ناچیزی جایگزین کرد.^(۵)

فارغ از هر دلیلی که باشد؛ آتاتورک توانست محبوبیت زیادی در میان مردم به دست آورد؛ که آن‌هم به‌خاطر رهبری نظامی موفق او، دستیابی به پیروزی‌های قاطع، توانایی او در بیرون راندن اشغالگران، بازگرداندن استانبول و استقرار صلح و برقراری امنیت در ترکیه بود.

خلافت در دوران عثمانی؛ با توجه به دیدگاه کمال آتاتورک، فاقد مشروعیت بود و تمامی سرزمین‌های اسلامی که تحت حاکمیت عثمانی بودند، به پا خاستند و خواستار استقلال شدند و ترک‌ها مجبور بودند در همه‌جا و در تمام جبهه‌ها علیه این قیام‌ها بجنگند که این امر تاوان اقتصادی و انسانی سنگینی برای ترکیه به‌همراه داشت. هم‌چنین خلافتی که بر پایه‌ی نفوذ و تأثیر طریقت‌های تصوف و سلطه‌ی مدارس دینی بود، به مانعی بر سر راه مدرن‌سازی ترکیه تبدیل شده بود؛ کما این که به خاطر مخالفت شدید آن با تجدد و مدرنیته، شکست‌های سنگینی برای

حکومت‌های عثمانی به وجود آورد.

آتاتورک علاوه بر محبوبیتی که از فرماندهی در جنگ‌ها، پیروزی‌های به دست آمده، بیرون راندن نیروهای متفقین و بازگرداندن استانبول، کسب کرد، توانست با تکیه بر حس کرامت‌خواهی و داد سخن دادن به طور مستمر، در مورد کرامت ملی ترک‌ها، که برای هفتاد سال و از زمان امضای معاهدات تجاری از سوی سلاطین عثمانی با اروپا نقض شده بود، (و این معاهدات به طور مشخص به نفع اروپائیان بود و هیچ گونه طرح توسعه‌ای برای ترک‌ها ارائه نداده بود) توانست بر محبوبیت خود بیفزاید.

هنگامی که آتاتورک مالیات (یک‌دهم) عثمانی را که از دهقانان دریافت می‌شد، لغو کرد، و طرح خود را در زمینه‌ی اصلاحات ارضی آغاز نمود، توانست شرایط زندگی شهروندان خود را بهبود بخشد. این مالیات بر دوش دهقانان ترکیه سنگینی می‌کرد، و با لغو آن، خیلی از آنان به لغو و نفی خلافت عثمانی اهمیت ندادند.^(۶)

در سال ۱۹۲۰، حدود ۸۰ درصد از مردم ترکیه در روستاها زندگی می‌کردند و به کار کشاورزی اشتغال داشتند، هم‌چنین در حدود پنج درصد در صنایع دستی و پنج درصد نیز به کار تجارت مشغول بودند، در حالی که اکثر منابع انسانی و سرمایه‌های داخلی کم‌یاب بودند. تولیدات و محصولات کشاورزی به سختی می‌توانست نیازهای اساسی مردم را برآورده کند؛ به ویژه پس از مهاجرت یونانیان، ارمنی‌ها و یهودیان؛ عملاً هیچ نوع نهاد صنعتی وجود نداشت و تنها چیزی که باقی مانده بود؛ برخی از شرکت‌های خارجی بودند که در زمینه‌ی تولید آرد و شکر فعالیت می‌کردند.^(۷)

طرح‌های توسعه‌ای دولتی آتاتورک، با گذشت سال‌ها و با وجود برخی اشتباهات در برنامه‌های توسعه؛ موفق به احداث کارخانه‌جات صنعتی ترکیه شدند و چه بسا یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی؛ تشکیل طبقه‌ای جدید از شهروندان ترکیه در بخش‌های تجاری و صنعتی بود، پس از آن که این بخش‌ها تحت کنترل اروپایی‌ها قرار داشتند. در آینده این طبقه؛ تحت عنوان بورژوازی ملی شناخته شد.

احزاب راست میانه

پس از هشتاد سال سکولاریسم اجباری و خودکامه، سیاست‌های ملی‌گرایی دارای ابعاد نظامی و بی‌ثباتی سیاسی، به جز چند سال در دوران حکومت تورگوت اوزال، بخت با حزب عدالت و توسعه یار شد تا به یک حزب سیاسی عمده و مهم در ترکیه تبدیل شود؛ آن‌هم در زمانی که دیدگاه و ارزش‌های نظام اجتماعی سیاسی کمال آتاتورک، مقدس و غیر قابل انتقاد بود و شامل این باور بود که استفاده از سنت‌های مذهبی در احساسات اجتماعی در حوزه عمومی مانع از تشکیل یک کشور قدرتمند می‌شود، و سکولاریسم و کنار گذاشتن دین، مبنای فرآیند مدرنیزاسیون در ترکیه است.

این باور رایج شد که ارتش ملی ترکیه، از جهت‌گیری سکولاریستی طرف‌دار غرب و هویت ترکی که توسط آتاتورک وضع شد، محافظت خواهد کرد. این قاعده؛ کارآمدی خود را در ایجاد و توسعه‌ی دولت ترکیه در دوره‌ی نخستین آن تا دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی به اثبات رساند، و مقابله با جریان‌های اجتماعی اسلامی به‌همراه مبارزه علیه هویت کردها و علوی‌ها آغاز شد. نتیجه‌ی این اقدام این بود که نمایندگی واقعی مردم در انتخابات متوالی که همیشه جناح‌های مذهبی و کردی را کنار می‌گذاشت، تجلی نیافت.

جریان‌های مذهبی، توانستند گم‌شده‌ی خود را برای شرکت در حاکمیت از طریق احزاب راست میانه بیابند، که از آغاز دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی از طریق حزب دموکرات به رهبری جلال بایار (رفیق آتاتورک) و عدنان مندرس تاسیس شدند و هر دو، عضو حزب جمهوری‌خواه خلق ترکیه بودند که توسط کمال آتاتورک تاسیس شد.

اما مندرس در دوران ریاست جمهوری خود در دولت‌های متوالی در دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی، فرصتی را برای جریان‌های اسلامی مردمی فراهم کرد تا به‌صورت آزادانه به سنت‌های مذهبی عمل کنند. هم‌چنین اجازه داد که صدای اذان دوباره به زبان عربی از مساجد بلند شود و تدریس دین اسلام را در برنامه‌های درسی گنجاند؛ پس از آن‌که در ابتدا ممنوع، و در پایان دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی، اختیاری بود. با این حال، تاثیر قابل‌توجه بر طبقات فرودست جامعه و روستایی، در بهبود شرایط زندگی کشاورزان و صنعتگران نمود یافت، آن‌هم پس از آن‌که ترکیه در اواخر سال ۱۹۴۹، اولین کمک مالی آمریکا را، در چارچوب طرح مارشال جهت حمایت

از اروپا در مقابله با گسترش نفوذ کمونیست، دریافت کرد.

افزون بر دو عنصر قبلی، دولت مندرس اقداماتی را انجام داد که تأثیر آن بر فقرا و روستاییان بازتاب داشت. دولت او فرماندهان پلیس و نیروهای امنیتی را که با این طبقات اجتماعی با غرور زیاد و سنگدلی برخورد کرده بودند، برکنار کرده و با نیروهای جدیدی جایگزین کرد که باعث شد شهروندان این طبقات، شاهد الگوی جدیدی از رفتار افسران پلیس بر اساس احترام، باشند.^(۸)

از آن زمان به بعد، جریان‌های مذهبی و محافظه کار به بخشی جدایی ناپذیر از هر حزب از احزاب راست میانه تبدیل شد که آزادی پرستش و انجام مراسم مذهبی را به عنوان بخشی از آزادی‌های شخصی بر عهده گرفت. در این جا مهم‌تر از هرچیز، این امر بود که این گروه‌های مذهبی عناصری را جهت اشتغال در نهادهای دولتی معرفی کردند، هرچند که در پست‌های رده‌های سازمانی وسط و پایین بودند.

سیاست‌های عدنان مندرس، تأثیرات چشم‌گیری بر مناطق روستایی و شهری از خود بر جای گذاشت. طوری که منجر به رویارویی و خشونت میان معترضین علیه دولت مندرس شد و دلیل این امر؛ وخامت اوضاع اقتصادی در اواخر دهه ی ۱۹۵۰ میلادی میان اقشار مردمی طرفدار دولت و طبقه ی طرفدار سکولاریسم بود، تا این که با اولین کودتای ارتش در سال ۱۹۶۰، به پایان رسید. مندرس یک سال بعد، از آن رو، که به عنوان نماد جریانات مذهبی و محافظه کار به حساب می‌آمد، اعدام شد اگر چه او فردی مذهبی نبود.^(۹)

با وجود انحلال حزب دموکرات و منع رهبران ارشد آن از فعالیت‌های سیاسی، با این حال؛ توده‌های مردمی طرفدار این حزب، در جهت پشتیبانی از حزب عدالت که وارث حزب دموکرات به شمار می‌رفت، گام برداشتند.

حزب عدالت در انتخابات سال ۱۹۶۵، به پیروزی رسید تا دومین حزب از جناح راست میانه به رهبری سلیمان دمیرل باشد، که ادامه دهنده ی راه مندرس بود اما بسیار محتاطانه عمل می‌کرد، تا جایی که از پیوستن به نجم الدین اربکان که از ابتدای فعالیت سیاسی خود به عنوان یک فرد اسلام‌گرا شناخته شده بود، امتناع ورزید.

دمیرل بار دیگر در انتخابات سال ۱۹۶۹، پیروز شد و مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی را برای مقابله با تورم انجام داد، اما توده‌های طرف‌دار حزب جمهوری‌خواه خلق به‌همراه جناح چپ وارد رویارویی با جناح محافظه‌کار و اسلامی شدند. دمیرل پس از اختلاف با ارتش در مورد نزاع در قبرس، تنش با یونان و خشونت سیاسی داخلی، از پست نخست‌وزیری استعفا داد، هم‌چنین او متهم به انحراف از اصول آتاتورک شد. این درگیری‌های مردمی بین جناح‌های راست و چپ؛ بار دیگر با مداخله‌ی ارتش در سال ۱۹۷۱، و کودتای نظامی پایان گرفت.

هنگامی که حیات پارلمانی در سال ۱۹۷۳، به کشور بازگشت، توده‌های مردمی جریان‌های مذهبی و محافظه‌کار میان یک حزب اسلام‌گرا به رهبری نجم الدین اربکان، و راست میانه به رهبری سلیمان دمیرل، و یک حزب وابسته به جناح راست افراطی ملی‌گرا تقسیم شدند.

ظهور حزب سلامت ملی به رهبری اربکان - نخستین حزب با گرایش‌های اسلام‌گرایانه پس از سقوط خلافت عثمانی - تأثیر مستقیم بر جریان‌های اسلامی داشت به‌طوری که توانست موفقیت بزرگی را در انتخابات سال ۱۹۷۳، کسب کند با حزب جمهوری‌خواه خلق در یک دولت ائتلافی مشارکت کرد، که نمایندگی سکولاریسم را بر عهده داشت.^(۱۰)

دمیرل در انتخابات سال ۱۹۷۵، رهبری یک دولت ائتلافی متشکل از چهار حزب را بر عهده گرفت، اما این دولت در مقابله با بحران اقتصادی شکست خورد و در سال ۱۹۷۷، استعفا داد؛ سپس دمیرل دولت ائتلافی جدیدی را با مشارکت اربکان و جناح راست افراطی، رهبری کرد که پس از گذشت یک سال، به همان دلایل قبلی فروپاشید. ترکیه از سال ۱۹۷۸، وارد یک بحران سیاسی شد که احزاب سیاسی طی آن از پایگاه اجتماعی و مذهبی خود، در مناقشات استفاده کردند و جناح راست افراطی، گروه‌های شبه نظامی را تاسیس کرد و چندین حمله به پایگاه‌های احزاب دیگر، به‌ویژه علوی‌ها انجام داد.

دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی؛ با درگیری‌های مسلحانه میان جناح‌های راست و چپ، و وخیم شدن وضعیت امنیتی متمایز شد، تا جایی که پدیده‌ی خشونت سیاسی، گسترش یافت و پس از تشدید خشونت‌ها میان قومیت‌ها و پیروان ادیان مختلف، چهار هزار نفر کشته شدند.

هنگامی که سنی‌ها و شیعیان در منطقه‌ی جنوب شرقی ترکیه درگیر جنگ بودند؛ این

درگیری‌ها ماهیتی فرقه‌ای به خود گرفت و حزب جنبش ملی به نمایندگی از جناح راست افراطی، نقش عمده‌ای در حوادث خشونت سیاسی در این منطقه داشت. این درگیری‌ها با مداخله ی ارتش در کودتایی که در سال ۱۹۸۰، روی داد، به پایان رسید.^(۱۱)

حیات پارلمانی در سال ۱۹۸۳، به ترکیه بازگشت. یک حزب جدید؛ تحت عنوان مام میهن از جناح راست میانه ظهور کرد که به حق میراث‌دار دو حزب دموکرات و عدالت بود، در حالی که ارتش اربکان را از ادامه ی کار سیاسی منع کرد و حزب او منحل شد. توده‌های مردمی طرف‌دار جناح‌های اسلامی به همراه محافظه کاران به حمایت از حزب مام میهن که توسط تورگوت اوزال رهبری می شد، تمایل نشان دادند و او توانسته بود پیروزی قاطعی را در انتخابات سال ۱۹۸۳، به دست آورد. دولت‌های اوزال، از شرایط جنگ ایران و عراق برای توسعه ی اقتصاد ترکیه و بهبود سطح زندگی مردم، بهره بردند.^(۱۲)

در اواخر دهه ی ۱۹۸۰، و اوایل دهه ی ۱۹۹۰، احزاب جدیدی برای رقابت با مام میهن شکل گرفتند، که به تنهایی آرای جریان‌های اسلامی و محافظه کار را کسب کرده بودند. سلیمان دمیرل حزب راه درست را تاسیس کرد، و اربکان هم حزب اسلام‌گرای رفاه را تشکیل داد. بنابراین آرای این جریان‌ها بین این سه حزب تقسیم شد. پایان دادن به جنگ بین ایران و عراق تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد ترکیه برجا گذاشت و بحران‌های بزرگی را به دنبال داشت که تا سال ۲۰۰۲ میلادی، و پیروزی حزب عدالت و توسعه ادامه یافت.

حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲، با کسب ۳۳ درصد از کل آرا، به پیروزی رسید اما قانون انتخاباتی که توسط ارتش ترکیه و پس از کودتای سال ۱۹۸۰، تصویب شد، تأکید دارد که هر حزب باید ۱۰ درصد از کل آراء را به دست بیاورد تا بتواند به مجلس این کشور راه پیدا کند.

هنگامی که احزاب دیگر موفق به عبور از آستانه ی انتخابات نشدند، حزب عدالت، تقریباً ۶۶ درصد از کرسی‌های پارلمان را به دست آورد تا با خیال راحت، دولت تشکیل دهد. بسیاری از مردمی که به حزب عدالت رای دادند، از هواداران اربکان و برخی دیگر هم از

طرف‌داران جناح محافظه‌کار بودند.^(۱۳)

از سوی دیگر؛ می‌توان پیروزی انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، را نقطه‌ای به حساب آورد که جریان‌های «سرکوب شده» در آن، خود را با توان هر چه بیشتر در مقابله با ده‌ها سال سکولاریسم، نظامی‌گری و ملی‌گرایی قرار دادند. پس از آن که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، سیاست‌های مختلف اصلاح‌طلبانه، لیبرال و حمایت از فقرا را در پیش گرفت که نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی را برآورده می‌کردند. رجب طیب اردوغان؛ نخست‌وزیر جدید ترکیه، مسئله‌ی کردها را مسئله‌ای داخلی می‌دانست که باید به شیوه‌ای دیگر و راهی به‌غیر از توسل به زور و ادغام اجباری حل شود.

وی اصلاحاتی ساختاری؛ مانند دموکراسی بیشتر را آغاز کرد، هم‌چنین کنترل و نظارت غیر نظامی بر نیروهای امنیتی را تقویت نمود، و در نحوه‌ی روش امنیت ترکیه بازنگری کرد و حقوق بشر را بهبود بخشید. حزب عدالت و توسعه در دوره اول (۲۰۰۲ - ۲۰۰۷) توانست به موفقیت‌های بزرگی در بهبود اقتصاد ترکیه برسد که از طریق اجرای مجموعه‌ای از اصلاحات در گرایش به سمت لیبرال دموکراسی، تحقق یافت؛ از جمله طرح‌های صلح و آشتی با کردها که توسط حزب عدالت و توسعه در ترکیه آغاز شد، و نیز مذاکرات در مورد عضویت در اتحادیه‌ی اروپا که در سال ۲۰۰۵، انجام گرفت. بنابراین در نتیجه‌ی این تحولات؛ ایالات متحده‌ی آمریکا، چشم‌انداز حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه را به‌عنوان چراغی برای دموکراسی در جهان اسلام قلمداد کرد.

پس از این موفقیت‌ها، انتخابات سال ۲۰۰۷، شاهد پیروزی حزب عدالت و توسعه با کسب ۴۶ درصد از کل آرا بود. این پیروزی بزرگ، حزب عدالت و توسعه را تشویق کرد تا برای دستیابی به «هژمونی ایدئولوژیک» در صحنه‌ی سیاسی ترکیه به‌همراه متحدش فتح الله گولن، تلاش کند. برای انجام این کار؛ حزب از طرف‌داران گولن در مؤسسات قضایی، امنیتی و آموزشی کشور بهره‌گرفت. این حزب در ابتدای سال ۲۰۱۵، به دلیل شکاف عمیقی که میان آن و جنبش گولن ایجاد شد، بر سر دوراهی قرار گرفت. اردوغان جنبش گولن را به تلاش برای در انحصار گرفتن قدرت و خلاص شدن از حزب عدالت و توسعه متهم کرد. این حوادث و رویدادها تا تلاش برای کودتای شکست‌خورده در سال ۲۰۱۶، و حملات برای دستگیری پیروان گولن ادامه پیدا کرد.^(۱۴)

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی؛ درکی از دموکراسی نزد حزب عدالت و توسعه وجود دارد که از ایدئولوژی اخوان المسلمین الهام گرفته است؛ درکی که به جای یک نظام حکومتی که از حاکمیت قانون، حقوق بشر و مطبوعات آزاد حمایت کند، بیشتر به استفاده از کنش دموکراتیک از طریق رقابت سیاسی حزبی جهت محقق ساختن پیروزی، متمایل است. به این معنا که اسلام به عنوان یک دین (بر اساس درک حزب عدالت و توسعه) منافع و جاه‌طلبی‌های روشنی در مورد چگونگی حکومت بر جامعه دارد که با برخی از نتایجی که می‌تواند توسط دموکراسی حاصل شود، تعارض دارد.

حزب عدالت و توسعه، به عنوان یک حزب محافظه کار دموکراتیک با هدف تقویت تدریجی فعالیت‌های اسلامی در زندگی اجتماعی روزانه تاسیس شد. به ویژه پس از آن که این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۷، گسترش اندیشه‌های اسلامی را از طریق سیاسی کردن اسلام تقویت کرد. بیشترین تمرکز در سیاست خارجی؛ بر خاورمیانه و افزایش خصومت اجتماعی علیه اتحادیه‌ی اروپا و اسرائیل بوده است، با وجود این که رابطه‌ی اقتصادی با اسرائیل هرگز قطع نشده است.

زنان و حجاب بین دوران حکومت آتاتورک و اردوغان

کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۵، به سرتاسر کشور سفر کرد تا "لباس متمدن" را به ملت نشان دهد. پوشش سر، نشانه‌ای از وضعیت اجتماعی فرد در دوران عثمانی و هم‌چنین نشانه‌ای از تبعیت و پیروی از اسلام بود. آتاتورک از طریق تشویق و تحمیل آن‌چه که آن را یک ابزار مشترک متمدنانه برای شهروندان خود می‌دانست، خواستار حذف این تبعیض اجتماعی در جمهوری بود.

او در یکی از سفرهایش در شهر کوچکی بر ساحل دریای سیاه توقف کرد و در آن شهر، زنانی را دید که نقاب بسته‌اند، او به پیروان خود گفت: «این عادت موجب اذیت شدن زنان در گرمای تابستان می‌شود و ناشی از خودخواهی مردان و میل آنها به اثبات افتخار و شرف آنها است. زنان نیز دارای مغز هستند، اجازه دهید تا چهره‌ی خود را نشان دهند و جهان را با چشم خود ببینند». اگر چه آتاتورک، به‌طور کامل، فینه و عمامه را برای مردان ممنوع کرد و آنها

را تشویق کرد تا کلاه بر سر بگذارند، اما قانون تغییر لباس و پوشش سر، شامل زنان نمی‌شد.^(۱۵)

مقامات حکومتی در طی این دوره، ممنوعیت روسری در مدارس و برخی نهادهای دولتی را نادیده گرفتند؛ زیرا آنها به یقین کامل رسیده بودند که نمی‌توانند کشف حجاب را بر ملتی اعمال کنند که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن، در حومه‌ی شهرها و روستاها زندگی می‌کنند. اصلاحات آموزشی شامل ساخت بسیاری از مدارس در مناطق روستایی و اجباری کردن آموزش برای دختران بود. در صورت کشف حجاب، کمال آتاتورک وارد جنگ و درگیری با سنت‌های روستایی می‌شد که حجاب را به‌عنوان نماد شرف و عفت می‌دانستند و به‌همین خاطر مسئله‌ی حجاب را به زمان واگذار کرد. حجاب با گذشت زمان، به الگوی طبقاتی برای شهروندان روستایی تبدیل شد و به تدریج در مناطق شهری ناپدید گشت. نقاب و جداسازی زنان در آخرین دوره‌ی عثمانی، مختص طبقه‌ی متوسط بود که از وضعیت مالی مطلوبی بهره‌مند بود و به اندازه‌ی کافی توانایی آن را داشت تا از کار کردن زنان و یا حضور آنان در مراسم عمومی جلوگیری کند.

پس از استقرار جمهوری و با گذشت زمان، زنان شهری که در طبقه‌ی متوسط قرار داشتند، حجاب را کنار گذاشتند؛ در حالی که زنان روستایی شروع به پوشیدن شلوارهای راحتی و گشاد و یا دامن‌های ساده و شال‌های بلند کردند؛ به‌ویژه آن‌که بیشتر روستاییان خویشاوند هستند، یا یکدیگر را به خوبی می‌شناسند. در طول دوره‌ی جمهوری، دختران به حضور در دانشگاه‌ها، کسب مدارک تحصیلی دانشگاهی و حرفه‌ای و مشارکت در توسعه‌ی کشور، تشویق شدند.

پس از آن‌که بعضی از زنان به‌عنوان معلم مدارس دخترانه مشغول به کار شدند، به زودی در همه‌جا حضور پیدا کردند، از جمله؛ در مدارس مختلط، در زمینه‌ی پزشکی، حقوق، مهندسی، علوم اجتماعی و طبیعی مشغول فعالیت شدند. استانبول در صدر این تغییرات قرار داشت.

در سال ۱۹۲۹، ۷۵ درصد دختران، بین هفت تا یازده ساله در مدارس ابتدایی استانبول حضور داشتند که در کنار پسران با همان درصد تقریبی، در مقایسه با ۲۶ درصد دختران (و ۵۱ درصد از پسران) در سراسر کشور به تحصیل اشتغال داشتند. بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۸ میلادی، ۱۰ درصد از تعداد کل فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دادند که این

یک دستاورد بزرگ در مدت زمانی کوتاه؛ بعد از این که دانشگاه استانبول تاسیس شد و درهای خود را برای پذیرش زنان گشود، به حساب می آمد.^(۱۶)

قانون اساسی اسلامی عثمانی با یک قانون مدنی سکولار در سال ۱۹۲۶، جایگزین شد و حقوق مدنی برابری را به زنان اعطا کرد. قانون مدنی دیگر ازدواج شرعی (مذهبی) را به رسمیت نشناخت، چند همسری را ملغی اعلام کرد، و به زنان حق طلاق داد. به موجب قانون اسلامی عثمانی، سهم ارث زنان معادل نیمی از سهم مردان بود، اما طبق قوانین سکولار، هم مردان و هم زنان به یک اندازه از ارث سهم می بردند.

با این حال؛ قوانین جدید به طور کامل به نفع زنان نبود. در حالی که قانون عثمانی بر بهرمندی زنان (از مهریه برای ازدواج و طلاق) به صورت مبلغی از پول تأکید دارد، قانون جدید چنین موارد مالی را شامل نمی شد.

طبق قانون مدنی سکولار، مردان رسماً سرپرست خانواده باقی ماندند و زنان برای سفر به خارج از کشور و یا کار در خارج از منزل به اجازه ی همسر نیاز داشتند؛ همان طور که در آن زمان در بسیاری از کشورهای اروپایی، وضع بر همین منوال بود، اما این قوانین در دهه ی ۱۹۹۰، لغو شد.

زنان در سال ۱۹۳۰، از حق شرکت در انتخابات شهرداری ها و رأی دادن بهره مند شدند و اولین زن نیز در همان سال به استخدام قوه ی قضائیه درآمد. در سال ۱۹۳۴، به زنان حق رأی کامل اعطا شد.

در سال ۱۹۳۵، هجده نفر از زنان انتخاب شدند و به پارلمان ترکیه راه یافتند. دختر خوانده ی آتاتورک، صبیحه گوکچن؛ اولین زن خلبان نظامی ترکیه بود که توسط خود آتاتورک تشویق شد. تصویر او در لباس نظامی با گروهی از خلبانان مرد توسط رسانه های ترکیه پوشش داده شد، که بر برابری و سکولاریسم دلالت می کرد.

در سال ۱۹۳۲ - کمتر از یک دهه پس از تاسیس جمهوری - یک دختر ترکیه ای برنده ی مسابقه ی بین المللی ملکه زیبایی در بروکسل شد.^(۱۷)

تغییرات سریع اجتماعی در شهرهای بزرگ، منجر به پیشرفت طبقه‌ی متوسط مسلمان شد تا بر کار تجارت تسلط پیدا کند و این امر ارتقای اجتماعی خانواده‌های مسلمان را به دنبال داشت.

پس از جنگ جهانی دوم، تعداد اقلیت‌های غیر مسلمان کاهش یافت. این اقلیت‌ها به تجارت و کسب و کار تسلط داشتند در حالی که شهروندان مسلمان ترکیه در خدمات مدنی، نهادهای دولتی و ارتش خدمت می‌کردند.

با مهاجرت طبقه‌ی اقلیت‌های مسلط بر تجارت، جمهوری؛ طبقه‌ی بورژوازی جدیدی از ترک‌ها را ساخت. زنان پس از دستیابی به آموزش حرفه‌ای، در پیوستن به نخبگان و طبقه‌ی متوسط نقش داشتند. با وجود فعالیت زنان در دوره‌ی جمهوری و خودکفایی نیمه مستقل آنها در شهرها، اما دو چیز آنها را محدود می‌ساخت که عبارتند از: اخلاق محافظه‌کارانه و وفاداری به پروژه‌ی به روز ساختن و هم‌چنین نوسازی جمهوری.

جریان‌های اسلامی ساکت و گروه‌های محافظه‌کار، تمام این تغییرات را محکوم کردند و آنها را به‌عنوان دعوت به فسق و فجور قلمداد کردند.

با وجود تغییرات قابل توجهی که جمهوری در رابطه با زنان اعمال کرد، جامعه‌ی ترکیه حتی در شهرها نیز محافظه‌کار باقی مانده بود؛ به‌عنوان مثال، زنان در محل کار خود خواستار استفاده از لباسی موقر شدند و از رفتار منافی شئون اخلاقی اجتناب کردند.

بعد از تاسیس جمهوری، نگرانی‌هایی در میان جامعه‌ی ترکیه در مورد تحصیل زنان و وارد شدن آنها در محل کار و حیات عمومی بروز کرد و دسترسی آنها به درآمدی همانند مردان، منجر به بحران در خانواده و جامعه شد، هم‌چنین این دغدغه وجود داشت که استقلال فردی زنان، ممکن است به فساد اجتماعی و و تاخیر در ازدواج و شاید هم به نفی مردان از سوی زنان منجر شود. به نظر می‌رسید این امر ممکن است تهدیدی برای نظم اجتماعی باشد. این موضوع در مناطق شهری صدق می‌کند، اما در مناطق روستایی خیر؛ قبل و بعد از اصلاحات آتاتورک، زندگی برای اکثریت زنان در شهرها و روستاهای کوچک کاملاً متفاوت است. میانگین زاد و ولد در مناطق روستایی بسیار بیشتر از مناطق شهری باقی مانده بود. آمار رسمی برای آن دوره

(دهه‌ی اول جمهوری) نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در روستاها ۱۹ سال برای زنان و ۲۲ سال برای مردان بوده است، اما سن ازدواج واقعی پایین‌تر از این بود.

شاید جمهوری، که با فراهم کردن فرصت‌های شغلی از خانواده‌های شهری حمایت کرد، متوجه شد که خانوارهای روستایی به فرزندان و به‌ویژه کودکان در کارهای کشاورزی اتکا دارند و پس از آن هم از آنها انتظار می‌رود تا در سنین پیری عصبای دست والدین باشند. تأثیر تبلیغات دولت برای زاد و ولد به‌منظور جبران زیان‌های بزرگ جنگ جهانی اول، برای چندین دهه باقی ماند.^(۱۸)

در بازگشت به موضوع حجاب، به‌رغم عدم صدور یک قانون از سوی جمهوری برای جلوگیری از حجاب، با این حال؛ نهادهای دولتی از زمان آغاز دوران جمهوری، از استخدام زنان باحجاب، امتناع کردند. در کودتای نظامی ۱۹۸۰، قانونی توسط شورای نظامی برای جلوگیری از ورود زنان باحجاب به دانشگاه‌ها، و مراکز آموزشی دیگر، مدارس و برخی نهادهای دولتی صادر شد.

ممنوعیت استفاده از حجاب در ترکیه پس از سال ۱۹۸۰، به موضوع سیاسی تبدیل شد. پس از حذف اربکان بوسیله کودتای نظامی در سال ۱۹۹۷، شورای امنیت ملی ترکیه، تصمیمی را تصویب کرد که در آن "حجاب تهدیدی برای ترکیه" قلمداد شد، تعداد زیادی از زنان محجبه شاغل در مؤسسات دولتی، پس از دوران نخست وزیری اربکان که حجاب منعی نداشت، اخراج شدند و دانشجویان باحجاب نیز از ورود به دانشگاه‌ها منع شدند.

پس از آن که حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۰۲، قدرت را در دست گرفت، به موضوع حجاب تا پایان سال ۲۰۰۷، ورود نکرد. اما پس از تصویب یک لایحه در پارلمان، در سال ۲۰۰۸، موضع محکمی برای پوشش حجاب در دانشگاه‌ها اتخاذ کرد. اگر چه دادگاه قانون اساسی عالی، این قانون مجلس را لغو کرد، اما شورای عالی آموزش و پرورش وابسته به دولت، که مسئول اجرایی آموزش و پرورش بود، با پوشش حجاب در کلاس درس موافقت کرد. نقش پیروان گولن در حمایت از تصمیم روشن است. در آن زمان، اردوغان و گولن در حال مبارزه با دولت در سایه‌ی ارتش بودند که حامی سکولاریسم بود.^(۱۹)

پس از موفقیت اردوغان در از بین بردن تهدیدهای واقعی ارتش، وی در سال ۲۰۱۰، با یک اصلاحیه‌ی قانون اساسی از طریق پارلمان و "بند حقوق" حزب عدالت و توسعه، قانون "انواع تبعیض علیه زنان" را آغاز کرد و تغییر قانون اساسی با referendum مردمی پذیرفته شد. ممنوعیت حجاب یکی از انواع تبعیض علیه زنان بود.^(۲۰)

اردوغان در سال ۲۰۱۳، قطعنامه‌های مربوط به حقوق عمومی و شخصی و آزادی‌های مذهبی و نهادهای دولتی را صادر کرد. این شامل اصلاحیه‌ی قانون تنظیم مقررات کارکنان دولتی برای آزادی پوشش بود. این قانون لغو ممنوعیت حجاب را صادر کرد و برای اولین بار به زنان ترک اجازه دادند که کار پارلمانی و کار در نهادهای دولتی را انجام دهند و همچنین به مردان اجازه دادند که ریش خود را نتراشند و لباس مذهبی بپوشند.^(۲۱)

این لایحه؛ شامل وکلای زن در حق استفاده از حجاب در طول فعالیت بود. در سال ۲۰۱۴، تصمیم بر این شد تا دانش آموزان مقطع راهنمایی اجازه‌ی پوشش حجاب را داشته باشند بنابراین قانون پیش‌گیری که مورد استفاده قرار می‌گرفت لغو شد. در سال ۲۰۱۵، دولت حق استفاده از حجاب را برای زنان شاغل در اداره‌ی پلیس تصویب کرد.

چکیده‌ی گفتار

در جامعه‌ی ترکیه، سه هویت وجود دارد: هویت اسلامی عثمانی، هویت ملی و هویت سکولار غربی. هویت اسلامی؛ هویت اکثریت از زمان تأسیس جمهوری است، اما تنها از طریق حزب عدالت و توسعه، که قدرت را از این مبنای گسترده ترسیم می‌کند، ظهور یافته است.

اگر مصطفی کمال آتاتورک به دنبال یک استراتژی "بالا به پایین" برای ساخت یک پایگاه نخبگانی سکولار برای ایجاد موسساتی قادر به پرورش نسل‌های جدید با توجه به هویت سکولار بود، رجب طیب اردوغان یک استراتژی "پایین به بالا" که تحت تأثیر روش‌های صوفی قرار می‌گیرد یا از جریانات مختلف و محافظه‌کاران مختلف به دنبال استفاده از آنها در نهادهای دولتی و مبارزه با سکولاریسم است.

به عبارت دیگر؛ حزب عدالت و توسعه، در دومین نشست بعد از سال ۲۰۰۷، یک

سری تغییرات اساسی اجتماعی از طریق ترویج اسلام عثمانی با روش «پایین به بالا» و از طریق نهادهای مذهبی و مدنی به راه انداخت. بنابراین حزب عدالت و توسعه، پس از کنترل کامل موسسات مذهبی و آموزشی، به دنبال دستیابی به هویت عثمانی بود. هژمونی در امور مذهبی به عنوان بخشی از وظایف وزارت امور دینی، که آتاتورک برای کنترل فعالیت‌های مذهبی به طور کلی، و ایجاد اطمینان از دور ماندن اسلام از زندگی اجتماعی و سیاسی تاسیس کرده بود، به عنوان یکی از اولویت‌های دولت تبدیل شده است.

با وجود این؛ حزب عدالت و توسعه، تغییرات مهمی در نهاد امور مذهبی ایجاد کرده است و مهمترین آن افزایش تعداد کارکنانی است که به هویت عثمانی اعتقاد دارند. از سال ۲۰۰۷، بودجه موسسه مذهبی به بیش از یک میلیارد دلار افزایش یافته است و با بیش از صد هزار کارمند به بزرگترین نهاد دولتی به همراه وزارت کشور تبدیل شود.^(۲۲)

در عین حال؛ حزب عدالت و توسعه، واعظان و امامان مساجد را به حال خود رها کرد. آنها نفوذی را که از زمان سقوط امپراتوری عثمانی به بعد، کسب نکرده بودند، به دست آوردند. پس از آن؛ نهاد امور دینی که بنیان آن بر دوری از سیاست استوار شده بود، به یک منبر عالی و یک نهاد بزرگ برای انتشار عقاید اسلامی اسلامی در زندگی اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. رئیس جمهور اردوغان به طور موثر از آن در جهت گسترش دیدگاه‌های اجتماعی خود که بعداً به تغییرات سیاسی منجر شد، بهره برداری کرد.

پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، اردوغان از بنیاد امور مذهبی در محاصره‌ی جنبش خدمت (پیروان فتح الله گولن) استفاده کرد. کسانی که منبرهای مذهبی و فعالیت‌های اجتماعی به نام دین داشتند؛ بنابراین، ظرف مدت ده سال، تاثیر حرکت تعلیمات دینی و تدریس آن در مساجد و مدارس به ظهور پایگاه مردمی معتقد به هویت سنی عثمانی خصمانه با سکولاریسم و غرب و ضد علویان، و شیعه در داخل انجامید.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مدارس دینی، برای فارغ التحصیل شدن امامان و واعظان و بسیاری از دانش آموزان راهنمایی و متوسطه در این مدارس ایجاد شده‌اند. علاوه بر این؛ دولت عدالت و توسعه، چندین گام مهم در امور اجتماعی مانند افزایش ساخت

مساجد، نام‌گذاری پل‌ها و اماکن عمومی با نام‌های عثمانی برداشته است. در نتیجه؛ ترکیه به دنبال تغییر چهره‌ی اجتماعی ترکیه از یک جمهوری سکولار به جمهوری عثمانی است.

منابع:

- (1) Sufism and Governmentality in the Late Ottoman Empire, Brian Silverstein, Project Muse, Volume 99, Number 9, 9119, Duke University Press.
- (2) Sufism and Governmentality in the Late Ottoman Empire, Brian Silverstein, Project Muse, Volume 99, Number 9, 9119, Duke University Press.
- (3) Atatürk: The Biography of the Founder of Modern Turkey, Andrew Mango, Overlook Press, 9119.
- (4) The Emergence of Kurdish Nationalism and the Sheikh Said Rebellion, 0881–0995
- (5) Atatürk: The Biography of the Founder of Modern Turkey, Andrew Mango, Overlook Press, 9119.
- (6) Atatürk: The Biography of the Founder of Modern Turkey, Andrew Mango, Overlook Press, 9119.
- (7) REFLECTIONS OF THE SECOND WORLD WAR ON TURKEY'S FOREIGN POLICY, Davut Han Aslan and Bugra Selcuk, Vistula University, Warsaw Poland, 9104; 0(39): 038–050
- (8) DEMOCRATIC PARTY AND DEMOCRACY IN TURKEY: CELAL BAYAR AND ADNAN MENDERES, GULİZ SUTCU, Department of Political Science in Bilkent University – Ankara, February 9100
- (9) TURKEY IN THE TRIANGLE OF THE 0951–0961 ERA, THE 0961 MILITARY COUP, AND THE 0960 CONSTITUTION, Omer Eryilmaz, First Lieutenant, Turkish Army B.S., Turkish Military Academy, 9115, NAVAL POSTGRADUATE SCHOOL. March 9104

- (10) Military Coups and Turkish Democracy, 1960–1980, George S. Harris, Turkish Studies Journal, Volume 12, 2011
- (11) Political Instability in Turkey During the 1970s, Michael M. Gunter, 1989
- (12) Turgut Ozal and His Economic Legacy: Turkish Neo-Liberalism in Critical Perspectiv, Ziya Onish, Middle Eastern Studies, Jul 2004
- (13) Statistical Yearbook of Turkey 2002–2007
- (14) Statistical Yearbook of Turkey 2002–2007
- (15) State Feminism, Modernization, and the Turkish Republican Woman, JENNY B. WHITE, Project Muse, 9113 NWSA Journal, Vol.05 No.3
- (16) State Feminism, Modernization, and the Turkish Republican Woman, JENNY B. WHITE, Project Muse, 9113 NWSA Journal, Vol.05 No.3
- (17) Aftermath of a Revolution: A Case Study of Turkish Family Law, Seval Yildirim, Pace International Law Review, Issue 9 Fall 9115, September 9115, Article 8, Volume 07
- (18) State Feminism, Modernization, and the Turkish Republican Woman, JENNY B. WHITE, Project Muse, 9113 NWSA Journal, Vol.05 No.3
- (19) Court annuls Turkish scarf reform, BBC
- (20) Quiet end to Turkey's college headscarf ban, BBC
- (21) Turkey lifts generations-old ban on Islamic head scarf, Reuters
- (22) With more Islamic schooling, Erdogan aims to reshape Turkey, Reuters